



«دارایی» دیگری از دست رفت

سعیدرضا بیات^۱

چکیده:

یادداشتی از دکتر سعیدرضا بیات به مناسبت درگذشت بانو آزاده دارایی شاعر معاصر زنجان

واژگان کلیدی:

آزاده دارایی، امیرخسرو دارایی، شاعران زنجان

که با آزادگان دائم به کین است

فلک را عادت دیرینه این است

آزاده دارایی به سال ۱۳۱۰ در زنجان زاده شد. پدرش امیرخسرو، از بنارود طارم و مادرش طلعت ملکوتی، خلخالی بود. جد پدری وی به عبدالله میرزا دارا، حاکم شاعر زنجان و یازدهمین پسر فتحعلی شاه قاجار می‌رسید.

عبدالله میرزا دارا، ستوده‌ی میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی وزیر ادیب و نامی است. او بانی مسجد سید و بازار زنجان و بعضی بناهای دیگر بوده است.

۱. دکترای ادبیات، پژوهشگر فرهنگ و ادبیات



امروز تنها بازمانده از این پدر و مادر، خواهر بزرگتر آزاده، بانو پروین دارایی است که در خارج از کشور به سر می‌برد.

آزاده دبستان و دبیرستان را در زنجان به پایان برده و وارد مدرسه عالی دختران می‌شود و تحصیلات دانشگاهی را در رشته‌ی تربیت بدنی ادامه می‌دهد. پدرش امیرخسرو، داستان‌های کلیله و دمنه را از انوار سهیلی به نظم کشیده و نامش را شکرستان گذاشته بود. آزاده نیز می‌خواست ترانه‌های خیام را به ترکی و «حیدر بابایه سلام» استاد شه‌ریار را به فارسی برگرداند. روزی، زنده یاد دکتر بهین‌دخت دارایی، خواهر فاضل آزاده خانم، ترجمه چند رباعی خیام را برایم خواند و گفت آنها را آزاده خانم به ترکی برگردانیده، ولی از چاپ و نشر آنها اطلاعی ندارم.

آزاده پس از درگذشت همسر به همراه دو فرزندش: دارا و آریا صباحی، رهسپار آمریکا می‌شود و تا خزان زندگی، یعنی بیست و دوم آذرماه سال ۱۳۹۹، اسیر غربت غرب می‌شود ولی روحش همواره در جنگل‌های سرسبز و فرح بخش طارم و کوچه پس‌کوچه‌های زنجان سیر می‌کرد. خواهر شاعرش، زنده یاد مهین‌دخت در منظومه‌ی «روباہ نامه» چه زیبا، حق حدیث حب وطن را ادا کرده است:

ندانم چیست سِر مهر میهن
که با جان بستگی دارد نه با تن

این بانوی فرهیخته، به زبان‌های فرانسه و انگلیسی هم تسلط داشت و ترجمه‌ها و سروده‌های چندی، از او باقی است که در میان آنها منظومه‌ی ترکی: «آنا یوردی وطنیم زنجان» بیشتر مورد پسند افتاده است. این شعر، قصیده‌ای است در شصت و یک بیت که در بحر رمل مثنی‌م حذف شده است و هر چند خالی از ایرادات کوچک ویرایشی نیست ولی از آنجا که تراوش دلی دردمند و لبریز از عشق به زادبوم است و بیانگر ارزشمندترین عواطف انسانی است، سخت بر دل و جان شنونده چنگ می‌زند.

این منظومه، نگاهی است حسرت‌بار به زنجان قدیم و به تنهایی، بخشی از بار فولکلور و ادبیات شفاهی منطقه‌ی زنجان را به دوش می‌کشد.

امروزه، تنی چند از هنرمندان بر این شعر آهنگ ساخته و خنیاگرانی آن را خوانده‌اند و بر سر زبانها افتاده که:

آنا یوردی وطنیم، زنگانیما قربان اوّلوم
شهریمین او یاراشیق لی آدینا قربان اوّلوم